

## اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان تیزهوش دخترانه دوره متوسطه اول شهر گناوه

علی کنعانی

کارشناس ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران (بوشهر)، ایران

Email: [kananidanesh@yahoo.com](mailto:kananidanesh@yahoo.com)

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان تیزهوش دخترانه دوره متوسطه اول شهر گناوه بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه دانش آموزان تیزهوش دخترانه دوره متوسطه شهر گناوه تشکیل دادند. نمونه گیری به صورت تصادفی ساده انتخاب و در نهایت 50 نفر که واجد ملاک های ورود به گروه ها بودند، گزینش شدند. نمونه نهایی به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گروه کنترل (هر گروه 25 نفر) گمارده شدند. هر دو گروه ابزار پژوهش در مرحله پیش آزمون و پس آزمون را تکمیل نمودند. ابزار مورد استفاده شامل پرسشنامه پرخاشگری اهواز بود. جلسات مداخله برای گروه آزمایش تحت آموزش هوش هیجانی به مدت 8 جلسه برگزار گردید. داده ها با استفاده از آزمون آماری آنکوا مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج مقایسه های بین گروه ها نشان داد که بین گروه آزمایش و گروه کنترل از لحاظ پرخاشگری تفاوت معنی داری وجود دارد. براساس نتایج آموزش هوش هیجانی توانسته است پرخاشگری دانش آموزان تیزهوش دخترانه دوره متوسطه را کاهش دهد. براساس نتایج پژوهش می توان نتیجه گرفت که آموزش هوش هیجانی قادر است تا به عنوان یک راهبرد مؤثر در کاهش پرخاشگری دانش آموزان در مراکز مشاوره آموزش و پرورش سراسر کشور مورد استفاده قرار گیرد.

**واژگان کلیدی:** آموزش هوش هیجانی، پرخاشگری، دانش آموزان تیزهوش.

## مقدمه

نوجوانی، مرحله گذار رشد فیزیکی و روانی انسان است که میان کودکی و جوانی روی می‌دهد. این گذار، تغییرات زیستی (بلوغ جنسی)، اجتماعی و روان‌شناختی را در بر می‌گیرد. از این رو شناخت جنبه‌های مهم روانی، عقلانی، جسمانی و اخلاقی نوجوان، این توانایی را به او و اطرافیان می‌دهد تا شیوه صحیح برخورد با تغییرات جسمی و روحی دوره نوجوانی را بدانند (پاجارس و یوردان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). از جمله ویژگی‌های رفتاری نوجوانان، افزایش گرایش‌های پرخاشگرایانه است که با توجه به تغییرات هورمونی و محیطی، احتمال بروز این رفتارها در این دوران افزایش می‌یابد. پرخاشگری معمولاً رفتاری است که هدف آن صدمه زدن جسمانی یا زبانی به فرد دیگر یا نابود کردن دارایی افراد است. پرخاشگری ممکن است به شیوه‌های متفاوتی خود را نشان دهد. خصومت نشان‌دهنده‌ی جنبه‌ی شناختی پرخاشگری و خشم نشان‌دهنده‌ی جنبه‌ی هیجانی آن است. جنبه‌ی رفتاری پرخاشگری نیز به شکل کلامی و جسمانی بروز می‌کند (خزائی و همکاران، ۱۳۹۰). پرخاشگری به عنوان نوعی هیجان خشم، یکی از مهم‌ترین مشکلات نوجوانان در برقراری رابطه با دیگران است. همچنین براساس بسیاری از تحقیقات، رابطه‌ی معنی‌داری بین هوش هیجانی و پرخاشگری به دست آمده است (آنیماساهون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰؛ لاورنس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹). مایر و سالووی<sup>۴</sup> (۱۹۹۷) یکی از مولفه‌های هوش هیجانی را مدیریت هیجانات خود و دیگران می‌دانند و پرخاشگری نیز یکی از هیجان‌های منفی مشکل‌ساز در مدارس محسوب می‌شود.

به نظر مایر و سالووی (۱۹۹۷) هوش هیجانی نوعی پردازش اطلاعات هیجانی است که شامل ارزیابی صحیح، بیان مناسب و تنظیم سازگارانه هیجان می‌باشد و به بهبود جریان زندگی منجر می‌شود. مدل سالووی- مایر، هوش هیجانی را به صورت ظرفیت درک اطلاعات هیجانی و استدلال در هنگام وجود هیجان تعریف می‌کند. آن‌ها توانایی‌های هوش هیجانی را به چهار زمینه زیر تقسیم می‌کنند: ۱- توانایی درک و تشخیص دقیق هیجان‌های خود و دیگران، ۲- توانایی استفاده از هیجان‌ها برای تسهیل تفکر، ۳- توانایی درک معانی هیجان‌ها، ۴- توانایی مدیریت و اداره کردن هیجان‌ها. اخیراً تحقیقات گسترده‌ای در خصوص اختلال در هوش هیجانی و اثرات آن بر کیفیت زندگی، موفقیت شغلی و تحصیلی، مقاومت در برابر استرس، سلامتی و کیفیت روابط اجتماعی صورت گرفته است. این مطالعات از تأثیر هوش هیجانی بر موفقیت و شادکامی در زندگی حکایت دارد (نلیس<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین ارتباط مثبت بین ویژگی هوش هیجانی و متغیرهای مربوط به سلامت روان (پتریدز<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۷)، و ارتباط منفی هوش هیجانی با آسیب‌شناسی روانی (مالتر<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۸) را تأیید نموده است. در مورد اینکه می‌توان هوش هیجانی را افزایش داد یا خیر، نظرات مختلفی وجود دارد ولی آنچه به صراحت می‌توان بر آن تأکید کرد این است که حتی اگر نتوان هوش هیجانی افراد را تغییر داد، شاید بتوان به افراد، مهارت‌های هیجانی را آموزش داد و به معلومات آن‌ها در این زمینه افزود (بار آن<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶). برای نمونه در پژوهشی با عنوان هوش هیجانی و استراتژی خودتنظیمی در درمان رفتاری پرخاشگرانه نوجوانان مبتلا به نابینایی (انیولا، ۲۰۰۷)، نتایج نشانگر بهبود قابل توجه در الگوی پرخاشگرانه

1-Pajares & Urdon

2-Animasahun

3-Lawrence

4- Mayer & Solovey

5-Nelis

6-Petrids

7-Malterer

8-Bar- on

گروه تحت نظر آموزش هوش هیجانی در مقایسه با گروه شاهد بودند. همچنین گروس<sup>۱</sup> و همکاران (2008)، پژوهش بر روی 135 دانشجوی دوره کارشناسی بازرگانی انجام دادند. در این پژوهش به گروه آزمایش (75 نفر)، طی 11 هفته، آموزش هوش هیجانی ارائه شد و گروه کنترل (60 نفر) هیچ گونه مداخله‌ای دریافت نکرد. نتایج بیانگر تفاوت معنی داری بین دو گروه در تمام مولفه‌های هوش هیجانی، از جمله درک و ابراز هیجان ها، تشخیص هیجان ها و کنترل و مدیریت هیجان ها بود. آن‌جا که دوره نوجوانی، دوره‌ای است که در آن تغییرات جسمی و روانی- اجتماعی نوجوان با هیجان‌ات شدید همراه است و بسیاری از دستگاه‌های عصبی و شناختی که هیجان را کنترل می‌کنند ضمن این دوره به رشد می‌رسند (هوپر<sup>۲</sup> و همکاران، 2004)، بنابراین داشتن آموزش‌هایی مبتنی بر تنظیم هیجان لازم است. از سوی دیگر دانش‌آموزان تیزهوش از سرمایه‌های ملی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. تیزهوشان و افراد با استعداد، کسانی هستند که نشانه‌هایی از قابلیت بالای عملکرد در برخی حوزه‌ها از جمله هوش، خلاقیت، هنرمندی، رهبری و زمینه‌های تحصیلی ویژه را نشان می‌دهند (پیفیفر، 2008). این دانش‌آموزان علی‌رغم برخورداری از استعداد تحصیلی بالا، برای کنترل هیجان‌ات خود و کاهش رفتارهای پرخاشگرایانه با مشکل مواجه هستند. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا آموزش هوش هیجانی بر کاهش پرخاشگری دانش‌آموزان تیزهوش دخترانه دوره متوسطه اول شهر گناوه تأثیر دارد؟

### روش تحقیق

این پژوهش، در گروه پژوهش‌های نیمه‌آزمایشی قرار می‌گیرد. طرح تحقیق آن به صورت دو گروهی (گروه آزمایش و گروه کنترل) و شامل مرحله‌ی پیش‌آزمون و پس‌آزمون است. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان تیزهوش دختر متوسطه اول شهر گناوه در سال تحصیلی 93-94 می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این طرح، تصادفی ساده بود. نمونه‌گیری به صورت تصادفی ساده انتخاب و در نهایت 50 نفر که واجد ملاک‌های ورود به گروه‌ها بودند (کسب نمره بالا در پرخاشگری)، گزینش شدند. نمونه‌نهایی به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و گروه کنترل (هر گروه 25 نفر) گمارده شدند. در پژوهش حاضر جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه زیر استفاده گردید.

### پرسشنامه پرخاشگری اهواز

این پرسشنامه شامل 30 سوال در سه عامل (1 خشم و غضب 2 تهاجم و توهین 3 لجاجت و کینه توزی است این پرسشنامه را زاهدی فر و نجاریان و شکرکن (1376) در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز ساخته‌اند. بررسی حاصل از تحلیل عوامل نشان داد که 14 ماده عامل خشم و غضب، 8 ماده دوم عامل تهاجم و توهین و 8 ماده آخر عامل لجاجت و کینه توزی قرار گرفته‌اند. اعتبار این پرسشنامه را نجاریان و زاهدی فر (1376) با مقیاس‌های خصومت و گناه باس و دورکی (1957) BDVI و MMPI ارزیابی کردند. همبستگی بین پرسشنامه پرخاشگری در کل برای تمامی افراد  $r=0/56$  و برای دختران  $r=0/49$  و برای پسران  $r=0/59$  در سطح معنی‌داری 0/001 گزارش شده است. ضرایب پایایی آن با روش الفای کرونباخ و روش تنصیف برای عامل خشم و غضب به ترتیب 0/80 و 0/77 و برای عامل تهاجم و توهین 0/74 و 0/69 و برای عامل لجاجت و کینه توزی 0/77 و 0/73 و برای کل پرسشنامه 0/85 و 0/61 می‌باشد که رضایت بخش است.

### برنامه آموزش هوش هیجانی

در این پژوهش مجموعاً در هشت جلسه تدریس بر مبنای هوش هیجانی توسط محقق برای دانش‌آموزان گروه آزمایش آموزش داده شد. ضمناً مدت‌زمان هر جلسه آموزش 90 دقیقه تعیین شده بود. برنامه آموزش در جدول زیر ارائه شده است.

جدول 1. خلاصه محتوای جلسات آموزش هوش هیجانی

1-Groves

2-Hooper



معارفه اعضاء، بیان قوانین، اهداف و ضرورت یادگیری مهارت‌های ارتباطی	اول	1
مبانی نظری هوش هیجانی و درک و فهم آن	دوم	2
شناسایی هیجان‌ها و خو داگاهی هیجانی و عاطفی	سوم	3
به کارگیری درست و ابراز هیجان‌ها برای مثال چگونه هیجان‌ها را نشان می‌دهیم، ایفای نقش	چهارم	4
درخصوص شناخت عواطف دیگران و همدلی مثل توانایی بیشتر در گرفتن دیدگاه دیگران	پنجم	5
حفظ ارتباطات	ششم	6
مدیریت هیجان‌ها برای مثال راهبردهای مقابله‌ای و کار آمدی آن، رشد هیجان‌های مثبت	هفتم	7
مدیریت روابط، توان بیشتر در تجزیه و تحلیل و فهم روابط	هشتم	8

### یافته‌ها

یافته‌های توصیفی شامل شاخص‌های آماری میانگین، انحراف معیار برای کلیه متغیرهایی است که در این پژوهش به کار رفته‌اند. در جدول 2 شاخص‌های توصیفی پرخاشگری در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون به تفکیک گروه آزمایش و گروه کنترل ارائه شده است.

جدول 2. شاخص‌های توصیفی پرخاشگری در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون به تفکیک گروه آزمایش و گروه کنترل

کمترین		بیشترین		انحراف معیار		میانگین		آماره	
								متغیر	
کنترل	آزمایش	کنترل	آزمایش	کنترل	آزمایش	کنترل	آزمایش	پیش‌آزمون	پرخاشگری
63	86	114	126	6/44	11/79	102/56	102/72		
87	88	117	86	8/18	6/23	103/28	74/64	پس‌آزمون	

همان‌گونه که در جدول شماره 2 مشاهده می‌شود، میانگین نمره پرخاشگری گروه آزمایش و گروه کنترل در مرحله پیش‌آزمون به ترتیب 102/72 و 102/56 است. در مرحله پس‌آزمون نیز میانگین نمره پرخاشگری گروه آزمایش (74/64) و برای گروه کنترل (103/28) بدست آمد.

جدول 3. تعیین تأثیر اثرات بین‌آموزنی‌ها از لحاظ میانگین نمره‌های پس‌آزمون پرخاشگری

Partial $\eta^2$	سطح معنی‌داری	F	میانگین مجذورات	مجموع مجذورات	آماره	
					پس‌آزمون	منابع
0/82	0/001	73/46	352/72	1058/16	پرخاشگری	مدل تصحیح‌شده
0/82	0/001	214/51	1029/95	1029/95		گروه
			46/01	221/75		خطا
				4084/01		کل

همان‌گونه که در جدول شماره 3 مشاهده می‌شود، نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، اثر آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری معنی‌دار بود ( $F=214/51, p<0/001$ ). مقایسه بین گروه‌ها نشان می‌دهد که بین گروه‌های آزمایش و کنترل از لحاظ میزان پرخاشگری در سطح  $P<0/001$  تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

جدول 4. برآورد اندازه اثر آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری



Partial $\eta^2$	حدود اطمینان در سطح 95 درصد		سطح معنی داری	t	خطای استاندارد	B	پارامتر
	حد بالا	حد پایین					
0/82	-24/76	-32/66	0/001	-14/64	1/96	-28/71	پرخاشگری

همان گونه که در جدول شماره 4 مشاهده می‌شود، برآوردها نشان داد که اثر آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری دانش آموزان تیزهوش دختر دارای اندازه اثر ( $\text{Partial } \eta^2 = 0/82$ ) است که حاکی از تأثیر این نوع آموزش بر کاهش پرخاشگری دانش آموزان تیزهوش است. برآوردها نشان می‌دهد که آموزش هوش هیجانی می‌تواند پرخاشگری را 32/66 تا 24/76 واحد کاهش دهد.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، اثر آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری معنی‌دار بود ( $F=214/51, p<0/001$ ). مقایسه بین گروه‌ها نشان داد که بین گروه‌های آزمایش و کنترل از لحاظ میزان پرخاشگری در سطح  $P<0/001$  تفاوت معنی‌دار وجود دارد. بنابراین آموزش هوش هیجانی میزان پرخاشگری را در دانش آموزان تیزهوش کاهش داده است. در این حالت می‌توان گفت آموزش و یادگیری مهارت‌های هوش هیجانی می‌تواند به کاهش رفتارهای پرخاشگرانه کمک نماید. این یافته با نتایج پژوهش‌های گرشام، باروک و کوک (2006)؛ انیولا (2007)؛ بورنان (2007)؛ نقدی و همکاران (1389)؛ کیمیایی و همکاران (1390) و مفردنژاد و همکاران (2014) همسو است. همچنین با نتایج پژوهش‌های عارفی و رضویه (1382) مبنی بر رابطه بین پرخاشگری ارتباطی با سازگاری عاطفی-اجتماعی، صادقی و همکاران (1381) در خصوص اثربخشی آموزش گروهی کنترل خشم به شیوه‌ی عقلانی-رفتاری-عاطفی بر کاهش پرخاشگری، رافضی (1383) مبنی بر تأثیر برنامه آموزش کنترل خشم بر پرخاشگری، لیاو و همکاران (2003) با عنوان اثر افزایش هوش هیجانی بر رفتارهای مشکل‌دار درونی و بیرونی مانند پرخاشگری در دانش آموزان مدارس، براکت و همکاران (2004) در خصوص رابطه هوش هیجانی با رفتار روزانه و سخودولسکی، کازینف و گورمن (2004) مبنی بر تأثیر درمان شناختی رفتاری بر مشکلات مرتبط با خشم در کودکان و نوجوانان هماهنگ است. در تبیین این یافته می‌توان چنین گفت که براساس نظریه زیلمن (به نقل از باس و پری، 1992) در زمینه آناتومی خشم، دو راه برای کاهش خشم مطرح است. یکی از این دو راه، یافتن و مقابله کردن با افکاری است که امواج خشم را تحریک می‌کند. زیرا این نخستین ارزیابی از عامل اولیه، بروز نخستین انفجار خشم را تحریک و تقویت می‌کند و ارزیابی‌های بعدی آتش آن را شعله‌ور تر می‌سازد. دیگری زمان مداخله در این روند است. هر چه این عمل در مراحل ابتدایی تر چرخه خشم صورت گیرد، اثربخش تر است. در واقع چنانچه اطلاعات فرونشاندن خشم قبل از آن که فرد دست به عمل بزند به او برسند، می‌تواند کاملاً از برانگیخته شدن مدار خشم جلوگیری کرد. این دو راه حل پیشنهادی زیلمن برای کنترل خشم، بخشی از فرآیند برنامه آموزش هوش هیجانی محسوب می‌شود. از سوی دیگر به دلیل اینکه آزمودنی‌ها در جلسات آموزش هوش هیجانی نکاتی مانند مهارت‌های فکر کردن قبل از واکنش نشان دادن و به تأخیر انداختن واکنش‌های مخرب و آنی در مقابل تهدید دیگران را یاد می‌گیرند، می‌توانند در موقعیت‌های مختلف بر بروز هیجان و پرخاشگری کنترل لازم را داشته باشند. از طرفی افراد احتمالاً در طی این برنامه یاد می‌گیرند که با خویشتنداری به جای تکانشی رفتار کردن و بدون وارد کردن ضربه جسمی و روانی به خود یا به دیگران واکنش سازنده و صحیح داشته باشند. به هر صورت گرچه ممکن است عوامل بسیاری در شکل‌گیری رفتار پرخاشگرانه نقش داشته باشند، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که اگر دانش آموزان تیزهوش از برنامه آموزش هوش هیجانی برخوردار شوند به دلیل رشد مهارت‌های بین فردی در آن‌ها و یادگیری کنترل هیجان‌ها که بخشی از برنامه آموزش هوش هیجانی است، میزان پرخاشگری آن‌ها در حد معناداری کاهش می‌یابد. در واقع اغلب پژوهش‌های فوق بر این نکته تأکید می‌کنند که نوجوانان رفتارهای پرخاشگرانه را به عنوان الگویی از محیط اجتماعی خود دریافت می‌کنند و همین محیط نیز خود به تولید و بازتولید این رفتارها در نوجوانان کمک می‌کند. بنابراین با ارایه آموزش مهارت‌های هوش هیجانی که ابتدا بر شناسایی هیجان‌ها و در نهایت بر کنترل آنها تأکید می‌کند.

کنند می توان به کنترل رفتار پرخاشگری در نوجوانان کمک کرد. پلیتری (2002) نیز معتقد است که فرد در تنظیم هیجانات با به دست آوردن توانایی بازنگری و بازسازی شدت و جهت هیجان در خود و دیگران به تعدیل و مهار هیجانات منفی به صورت درونی و تغییر جهت آن ها به سمت سازش یافتگی می پردازد و بدین گونه موجب حفظ هیجانات لذتبخش می شود. در کل یافته های این قسمت از تحقیق فرضیهی وجود ارتباط بین هوش هیجانی و پرخاشگری را براساس تئوری توانمندی مایر و سالووی (که مدیریت هیجان را به عنوان مولفه ای زیربنایی برای هوش هیجانی مطرح کرده است) قوت می بخشد.

## منابع

خزایی، حبیب اله، اسدی، ماندانا و محمدی، هیوا، 1390، مقایسه اثربخشی دو روش رفتار درمانی «تقویت و پاداش» و روش شناخت درمانی «الیس» بر میزان پرخاشگری کودکان بی سرپرست، مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، دوره 15، شماره 6، 414-408.  
رافضی، زهره، 1383، نقش آموزش کنترل خشم به نوجوانان دختر 15 تا 18 ساله در کاهش پرخاشگری، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.  
صادقی، احمد، احمدی، سیداحمد و عابدی، محمدرضا، 1381، بررسی اثر بخشی آموزش گروهی مهار خشم به شیوه عقلانی- رفتاری- عاطفی، بر کاهش پرخاشگری، مجله روانشناسی، دوره 6، شماره 1 (پیاپی 21)، 62-52.  
عارفی، مژگان و رضویه، اصغر، بررسی رابطه پرخاشگری آشکار و ارتباطی با سازگاری عاطفی- اجتماعی دانش آموزان دختر و پسر دوره ابتدایی، مجله دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، شماره 13، 125-113.  
کیمیایی، سیدعلی، رفتار، محمدرضا و سلطانی فر، عاطفه، 1390، آموزش هوش هیجانی و اثربخشی آن بر کاهش پرخاشگری نوجوانان پرخاشجوی، فصلنامه پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره، 1 (1)، 166-153.  
نقدی، هادی، ادیبراد، نسترن و نورانی پور، رحمت اله، 1389، اثربخشی آموزش هوش هیجانی بر پرخاشگری دانش آموزان پسر سال اول دبیرستان، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، سال 14، شماره 3، 218-211.

- Animasahun, R. A. (2010). Intelligent quotient, emotional intelligence and spiritual intelligence as correlates of prison adjustment among inmates in Nigeria prisons. *J Soc Sci*, 22(2), 121-8.
- Bornmann, Barbara A. Mitelman, serge A. Beer, Douglas (2007). Psychotherapeutic relaxation: How it relates to levels of aggression in a school within inpatient child psychiatry A pilot study the Artsin psychotherapy, Retrieved, 1/4/2007, from [http// www.Elsevier.com](http://www.Elsevier.com)
- Eniola, M. S. (2007). The influence of emotional intelligence and self- regulation strategies on remediation of aggressive behaviors in adolescent with visual impairment. *E. Theo- Med*, 1(1), 71- 77.
- Gresham, F. M., Baovan, M., Cook, C. R. (2006). Social skills training for teaching replacement behaviors: Remediation acquisition deficits in at- risk students. <http://www.Proquest.Com>
- Hooper, C. J., Luciana, M., Conklin, H. M., & Yerger, R. S. (2004). Adolescents performance on the low gambling task: Implications for the development of decision making and ventromedial prefrontal cortex. *Developmental Psychology*, 40. 1148- 1158.
- Lawrence, E. J. (2009). Priming Emotions Using Metaphors Representative of Family Functioning (Doctoral dissertation, Auburn University).
- Liau A.K; Liau, A.W; Teoh, G.B & Liau M.T. (2003). The case for emotional literacy: the influence of emotional intelligence on problem behaviors in Malaysian secondary school students. *Journal of Moral Education*; 32(1): 51-66.
- Malterer, M.B.; Glass, S.J. & Newman, J.P. (2008). Psychopathy and trait emotional intelligence. *Personality and Individual Differences*, 44(3), 735-745.
- Mayer, I. D., & Salovey, P. (1997). What is emotional intelligence? In P. Salovey, & D. J. Sluyter) Eds), *Emotional development and emotional intelligence: Educational implications* (pp.13- 30 .(New York: Basic Books.
- Mofradnejad, N., Allipour Birgani, S., & Mofradnegad, S. (2014). The effect of emotional intelligence training on aggression, emotional intelligence and academic performance of male high- school. *International Journal of Psychology and Behavioral Research*.
- Nelis, D.; Quoidbach, J.; Mikolajczak, M. & Hansenne, M. (2009). Increasing emotional intelligence: (How) is it possible: *journal of personality and Individual differences*. P. 36-37.
- Pajares, F., & Urdan, T. C. (2006). Self-efficacy beliefs of adolescents. *IAP*.
- Petrides, K.V.; Pita, R. & Kokkinaki, F. (2007).The location of trait emotional intelligence in personality factor space. *British journal of psychology*, 98, 273-289.



- Sukhodolsky, D. G., Kassinove, H., & Gorman, B. S. (2004). Cognitive-behavioral therapy for anger in children and adolescents: A meta-analysis. *Aggression and violent behavior*, 9(3), 247-269.
- Groves, K. S., Pat McEnrue, M., & Shen, W. (2008). Developing and measuring the emotional intelligence of leaders. *Journal of Management Development*, 27(2), 225-250.